

بررسی تأثیر عوامل اجتماعی و خانوادگی در موفقیت نوآموزان در آزمون سنجش آمادگی تحصیلی بدو ورود به دبستان (نمونه مورد مطالعه آموزش و پرورش شهرستان گنبد کاووس)

نوبهار حسن زاده^۱، عافیه روشنی^۲

^۱ کارشناس علوم تربیتی، معلم پایه چهارم، آموزش و پرورش شهرستان گنبد کاووس (نویسنده مسئول)

^۲ کارشناس ارشد مدیریت آموزشی، معلم پایه چهارم، آموزش و پرورش شهرستان گنبد کاووس

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی تأثیر عوامل اجتماعی و خانوادگی در موفقیت نوآموزان در آزمون آمادگی تحصیلی بدو ورود به دبستان (نمونه مورد مطالعه آموزش و پرورش شهرستان گنبد کاووس) در سال ۱۴۰۱ انجام شده است. پژوهش حاضر از نوع پس رویدای بوده است پژوهشگر از ۷۰۰۰ هزار کودکی که در سال ۱۴۰۱ مورد آزمون آمادگی تحصیلی قرار گرفته اند به طور تصادفی ۴ درصد را انتخاب کرد که این تعداد شامل ۷۰۰ نفر (۳۵۰ دختر و ۳۵۰ پسر) می باشد. در این پژوهش برای نمونه گیری از روش تصادفی ساده استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان داده است که بین تحصیلات مادران و نمره آمادگی تحصیلی کودکان رابطه معنادار است. بین جنسیت و نمره آمادگی تحصیلی کودکان رابطه معنادار نیست. رابطه تعامل بین جنسیت و تحصیلات مادران معنادار نمی باشد. بین تحصیلات پدران و نمره آمادگی تحصیلی کودکان رابطه معنادار است. بین جنسیت و نمره آمادگی تحصیلی کودکان رابطه معنادار نیست. رابطه تعامل بین جنسیت و تحصیلات پدران معنادار نمی باشد. بین یک زبانه و دوزبانه و نمره آمادگی تحصیلی تفاوت معنادار وجود دارد. بین دانش آموزان شهری و روستایی و نمره آمادگی تحصیل کودکان رابطه معنادار است.

واژه های کلیدی: سنجش آمادگی، آزمون، عوامل اجتماعی، عوامل خانوادگی، نوآموزان

مقدمه و بیان مساله

با شروع سال تحصیلی در ایران حدود یک میلیون کودک آماده ورود به مدرسه می شوند ، بدیهی هست در بین این تعداد فراوان کو دکان ، برخی از ایشان دارای اختلالات و مشکلاتی هستند که نیازمند به توجهات ویژه و آموزش هایی است که با دیگر کودکان متفاوت خواهد بود .سنجش آمادگی تحصیلی در بسیاری از کشورهای جهان مورد توجه قرار گرفته است. سن ورود به مدارس برای شروع کردن آموزش های رسمی در بیشتر کشورها ۶ سالگی است که مبتنی بر جنبه های گوناگون رشدی و تکاملی کودکان می باشد(به نقل از ضیاء الدینی و همکاران ، ۱۳۸۷) آمادگی کودکان برای ورود به مدرسه و موفقیت بعدی آن ها در تحصیل با جنبه های مختلف تحول آن ها مرتبط است . درگذشته عقیده ی بسیاری از صاحب نظران بر این بود که ورود کودک به دبستان ، آغاز یادگیری و شکوفایی آنها در همه ی ابعاد رشد است . اما امروزه در پرتو تالش صاحب نظران مختلف ، مسیر تفکر و برنامه ریزی به سمت بارور کردن آموزش پیش دبستانی به عنوان پیش نیاز ورود کودکان به مدرسه تغییر کرده است .(مفیدی ، ۱۳۹۵)

بسیاری از فالفسه ی تعلیم و تربیت (نظیرافالطون ، ارسطو ، کمینوس ، روس، پستالوتری و...) بر اهمیت آموزش و پرورش از سال های اولیه و (حتی از دامن مادر) تاکید کرده اند. فرویل اعتقاد داشت که سال های اولیه ی زندگی ، سال هایی است که پایه و اساس تحول سال های بعد را تشکیل می دهد (حجازی و سیف ، ۱۳۹۳) . در خصوص آموزش پیش دبستانی ، دیدگاه های مختلف و گاه متعارضی ارایه شده است از یک سو افرادی نظیرالکایند، ۱۹۸۷ ،لحانینگ ولیون ، ۱۹۹۱؛ به نقل از لفرانسویس ، ۱۹۹۶ معتقدند که نباید کودکان را بی محابا به سمت آموزش های پیش دبستانی بکشانیم و جو حاکم بر بسیاری از برنامه های پیش دبستانی ممکن است کودکان را آن طور که باید و شاید به سوی پیشرفت رهنمون نسازد. دلیلی که برای تدارک برنامه ی پیش دبستانی وجود دارد ، این است که در حین آموزش های پیش از دبستان ، کودکان تجربه هایی را می آموزند که ممکن است در خانواده از اثرات مثبت چنین تجربه هایی برخوردار باشند در حالی که ممکن است مراکز پیش دبستانی در واقع چنین تجربه هایی را به کودکان ارایه ننماید . از سوی دیگر بسیاری معتقدند که تجربه های پیش دبستانی تاثیر مثبتی بر تحول کودکان خواهد گذاشت .در پژوهش های زیادی به اثر آموزش های پیش دبستانی بر توانایی های متفاوت کودکان پرداخته اند و نتایج مفیدی از خود به جا گذاشته اند . نتایج پژوهش سومیان و آقا زاده (۱۳۹۱) نیز نشان داد که میزان تحول ذهنی کودکانی که بازی های آموزشی را انجام داده اند ، بیش تر از کودکانی است که اینگونه فعالیت ها و بازی ها را

نداشتند. در واقع بازی ها در تسریع تحول ذهنی کودکان گروه تجربی موثر است. در برخی از پژوهش ها نظیر وینسلر ترای، هارتمن، ماریگان مانفرا و بلیکر (۲۰۰۸). نیز نشان دادند که کودکانی که با برنامه پیش دبستانی مرکز-محور، پیش دبستانی عمومی آزاد و آزاد حمایت شده را مورد مطالعه قرار دادند، دریافتند که هر سه نوع برنامه، آمادگی قابل ملاحظه ای را در بیش تر حوزه ها ایجاد می کند. برنامه عمومی آزاد نتیجه های بهتری در حوزه تحول شناختی و زبانی دارد. نتیجه ها پیشنهاد می کند که برنامه های مراقبتی مرکز - محور در آمادگی بچه ها برای مدرسه در منطقه های فقیر نشین مفید است و برنامه های عمومی آزاد اثرات بهتر از آن دارد. نونویاما- تارومی و بردنبرگ (۲۰۰۹) اثر برنامه آمادگی تحصیلی برای مدرسه را در مهارت های آمادگی برای مدرسه سنجیده اند. آن ها دریافتند کودکانی که در این برنامه ها شرکت کرده اند در مهارت های آمادگی برای مدرسه نسبت به کسانی که شرکت نکرده اند عملکرد بهتری دارند. در ایران، مولایی (۱۳۹۲) تاثیر آموزش پیش دبستانی را بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پایه اول تا سوم ابتدایی مورد مطالعه قرار داد و دریافت که پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دارای آموزش پیش دبستانی بیش تر از گروه دیگر بود. بیرشک، مرادی (۱۳۹۲) اگر چه آموزش پیش دبستانی تاثیر بسزایی بر سازگاری اجتماعی - عاطفی دانش آموزان دبستانی دارد. اما گاهی نتیجه ها نقص می شود. مثل تحقیق دو رباطی (۱۳۹۰) حاکی از آن بود که آموزش پیش دبستانی بر سازگاری اجتماعی اثری ندارد. بیرشک، مرادی (۱۳۹۲) تاثیر آموزش پیش دبستانی را بر سازگاری اجتماعی تاثیر گذاشتند اما در بررسی نقش متغیرهایی مثل جنسیت، شغل پدر و مادر، تحصیلات پدر تاثیر بر سازگاری اجتماعی ندارد. ولی متغیر تحصیلات مادر اثر گذار بود.

اهمیت و ضرورت پژوهش

یکی از مهمترین مسائل و ویژگی های صحیح نظام تعلیم و تربیت توجه کامل به سلامت جسمانی و روانی و تفاوت های فردی، توانایی ها و استعداد های کودکان و تنظیم برنامه های آموزش متناسب با این استعدادها است که این امر قطعاً در فرآیند آموزش و پرورش کشور مفید خواهد بود. اگر آموزش فراتر از میزان توانمندی کودک باشد، تلاش و کوشش معلم، مدرسه و والدین علاوه بر بی نتیجه بودن، ممکن است در بعضی موارد موجب بروز مشکلات جدیدی شود (نویسی سلوط ۱۳۹۲). براساس آمارهای موجود بیش از ۱۰ درصد از کودکان هر جامعه به گونه ای از نارسایی های متفاوت جسمانی و روانی رنج می برند که بعضی از همین مشکلات می توانند به بروز معلولیت ها و

بیماریهای جبران ناپذیری منجر گردند. همچنین طبق تحقیقات انجام شده، ۵۰ تا ۷۰ درصد موفقیت دانش آموزان در هر پایه تحصیلی منوط به آمادگی شناختی و سلامت جسمانی و روانی آنان است و ۸۰ درصد افت تحصیلی نیز در مقطع ابتدایی در نتیجه مشکلاتی چون بینایی، شنوایی و هوش است که اگر به موقع تشخیص داده نشوند، نه تنها باعث مردودی و تکرار پایه ها توسط این دانش آموزان می شوند بلکه در اکثر موارد باعث بروز مشکلات و عوارض وخیم تر می شود. (عربی و همکاران، ۱۳۹۹)

عقیده بسیاری از متخصصان تعلیم و تربیت بر این است که شخصیت هر انسان در ۶ سال اول زندگی او شکل می گیرد، سالهای اولیه زندگی کودک از نظر تعلیم و تربیت چنان پراهمیت است که حتی یک ساعت تأخیر در آن زیان بار است و اگر گفته شود هر کسی فرزند دوران کودکی خودش است، اغراق نخواهد بود، بدین جهت نباید کودک را تنها به عنوان یک انسان کوچک در نظر گرفت و شاهد رشد و قد کشیدن او بود، برای پربار کردن این سالهای طلایی مراکز پیش دبستانی نقش مهمی را برعهده دارند هدف در ایجاد مراکز پیش دبستانی کمک به رشد حسی، ذهنی، عاطفی و اجتماعی کودکان و در نهایت کمک به شکوفایی استعدادها و علایق آنان می باشد. کوشش برای تربیت و پرورش و پیشرفت کودکان بعنوان نسل فردا زمانی تحقق می یابد که استعدادها و نیازهای نونهالان خود را بشناسیم و آنگاه برنامه ریزی و سرمایه گذاری مادی و معنوی آنان بپردازیم (ضیالدینی و همکاران، ۱۳۸۷). تعلیم و تربیت آنان رسالت سنگین و مسئولیت مهمی است که ما در مقابل کودکان خانواده جامعه و در نهایت در پیشگاه خداوند تبارک و تعالی به عهده داریم بنابراین همه مسئولین و آحاد مردم باید تلاش کنند تا متولیان تعلیم و تربیت کودکان، بتوانند کارآمد و توانمندتر شده و نیازهای کودکان را شناخته و با بکارگیری از روش های نوین تعلیم و تربیت و یافته های جدید روان شناسی تربیتی و ابزارهای نوین آموزش به رسالت و مسئولیتی که به عهده آنهاست با درایت و شناختی نسبی گام بردارند. یکی از مسائل مهمی که باید در تعلیم و تربیت در نظر گرفت وجود تفاوت های فردی دانش آموزان و شناخت توانایی ها و استعداد های آنان می باشد. زیرا اگر آموزش بیش از حد توانایی کودک باشد کلاس معلم و مدرسه و والدین اثر چندانی نداشته و حتی در بعضی از موارد موجب بروز مشکلات جدیدتری نیز خواهد شد (مرادی، ۱۳۹۲).

بسیار بدیهی است که محیط و شرایط زندگی شامل نحوه زندگی مردم، ارزش های مهم مردم و نوع عملکرد تاثیر مشخص به روی مهارت ان ذهنی و هوشی افراد دارد، مثلاً کشاورزان برنج در لیبر یا در تخمین میزان برنج مسلط اند،

بچه های اهالی بوسترا در گفتن داستان و حافظه خوبی از نظر حکایات دارند. فرهنگ ها بطور مشخص از یکدیگر از جهات مختلف متفاوت است و تفات های خاصی فرهنگی را نمی توان معلول علل منفرد و مشخص دانست. متن بررسی تفاوت های خاص فرهنگی در زیرگروه های جمعیتی یک جامعه فرهنگی کار بسیار سخت و دشواری است. اگر ما متوجه شویم که افرادی در محیط های متفاوت از نظر فرهنگی زندگی می کند دارای میزان های هوشی متفاوت هستند، در نتیجه بر این استنباط ساده میرسیم که تفاوت های محیطی باعث تفاوت در میزان بهره هوش می گردد. از طرفی برعکس می توان اظهار داشت قابلیت های فردی است که باعث می شود افراد در محیط های تفاوت به سر برند، این قابلیت ها با آزمون های هوش قابل اندازه گیری و سنجش است. بررسی ها نشان داده است که پسران که بهره هوشی شان از بهره هوشی پدران شان بالاتر است مایلند که در وضعیت و کلاس اجتماعی بالاتری قرار گیرند تا پسرای که بهره هوشی شان پایین تر از پدران شان دارند. این چنین استنتاجی شگفت انگیز نیست و گویای ارتباط مستقیم بین میزان بهره هوشی و سال های تحصیل فرد دارد. (والر، ۲۰۱۴)

بر اساس آمارهای جهانی بین ۱۰ تا ۱۵ درصد کودکان به نحوی دارای مشکلات جسمی، حسی یا ناتوانی رشدی هستند و تشخیص به موقع این کودکان نه تنها می تواند از بروز و تشدید معلولیت ها در آن ها جلوگیری نماید بلکه در رفع مشکلات آموزشی آنان نیز مؤثر واقع خواهد شد و عدم شناخت به موقع مشکلات این کودکان باعث می شود که آنها دو تا سه سال در مدارس عادی مشغول به تحصیل شوند و پس از آن به واسطه وجود نارسایی های مختلف جسمانی و یا کم توانی ذهنی قادر به ادامه تحصیل نباشند و آنگاه به مراکز آموزش ویژه هدایت شوند (نوایی سلوط ۱۳۹۲). جهت بهبود کیفیت آموزش و پرورش در دبستان و از بین بردن تأثیر نامطلوب عدم موفقیت در تجربه یادگیری نوآموزی که اولین بار در موقعیت آموزش قرار گرفته است، ابزاری در سال ۶۹ تهیه شد که بوسیله آن آمادگی ذهنی و پیشرفت تحصیلی حدود شصت هزار کودک داوطلب ثبت نام در کلاس اول مورد بررسی قرار گرفت و اعتبار و روایی این تست محاسبه و نرمی برای مقایسه تهیه گردید. با توجه به اینکه آزمون آمادگی تحصیلی نقش بسیار مهمی در غربال کردن دانش آموزان در بدو ورود به مدرسه دارد، پژوهشهایی از این نوع که عوامل مؤثر با این آزمون را مورد بررسی قرار می دهند بسیار ضروری می باشند. همچنین با توجه به این ضرورت ها سازمان آموزش و پرورش استثنایی با همکاری دفاتر سلامت دو وزارتخانه آموزش و پرورش و بهداشت و درمان و آموزش پزشکی اقدام به اجرای برنامه سنجش سلامت جسمانی و آمادگی تحصیلی نوآموزان بدو ورود به دبستان و پیش دبستانی نموده

است. با توجه به اهداف اصلی و عمده این برنامه، تشخیص و شناسایی به موقع نارسایی های جسمی، ارزیابی وضعیت آمادگی تحصیلی نوآموزان بدو ورود به دبستان، کمک به بهبود کیفی آموزش و کنترل بعضی از عوامل مؤثر بر افت تحصیلی است بررسی نتایج و ارزیابی این طرح ها نیز از همه بعد مختلف نیز ضرورتی انکار ناپذیر است .

پیشینه پژوهش

منصوری و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی با هدف بررسی میزان عملکرد مطلوب مجریان سنجش سلامت جسمانی و آمادگی تحصیلی در شناسایی لکنت زبان و کم شنوایی نوآموزان بدو ورود به دبستان انجام داده است . تحقیق از نوع کیفی است و روش آن پژوهش روایی و شیوه جمعآوری اطلاعات کتابخانه ای و ابزار آن مشاهده و مصاحبه می باشد. به دلیل اینکه روش این تحقیق پژوهش روایی است بنابراین نتایج آن قابلیت تعمیم پیشگویانه دارد. روایت این پژوهش واقعی و بر اساس مشاهده از جلسات کارورزی رشته علوم تربیتی شکل گرفته است. اهداف ویژه عبارتند از: بیان ضرورت، اهداف و نحوه اجرای طرح سنجش نوآموزان و ضرورت تشخیص به موقع مشکلات لکنت زبان و کم شنوایی. یافته ها نشان می دهد که با توجه به اهداف و ضرورت طرح سنجش، ضروری است که مجریان این طرح در صحت عمل خود جهت شناسایی مشکلات جسمی و روانی نوآموزان بدو ورود به دبستان تمام همت خود را به کار گیرند، تا این نوآموزان متناسب با سطح سلامت جسمانی و آمادگی تحصیلی شان در جایگاه واقعی خود قرار گیرند و از بروز عوارض بعدی جلوگیری شود. در این صورت می توان از نظر کیفیت آموزشی، در سطح بالایی قرار گرفت.

نوائی (۱۳۹۲) پژوهشی را با هدف بررسی روایی پیش بین آزمون آمادگی تحصیلی طرح سنجش کودکان بدو ورود به دبستان انجام داده است. جامعه مورد مطالعه شامل ۱۰۰۰۰۰ N - کودک مورد سنجش قرار گرفته در سال تحصیلی ۸۹ - ۱۳۸۸ در شهر تهران می باشد . نمونه گیری به صورت تصادفی خوشه ای چند مرحله ای از بین مناطق شهر تهران صورت گرفت که در آن چهار منطقه آموزش و پرورش مورد بررسی قرار گرفتند. در این بررسی نمونه ها از مناطق ۱۹ - ۱۶ - ۵ - ۲ انتخاب گردیدند . از هر منطقه یک مدرسه دخترانه و یک مدرسه پسرانه انتخاب و دانش آموزان پا به چهارم در این مدارس بررسی شدند (تست شدگان سال ۸۸) . نمونه آماری تعداد ۵۰۰ نفر کودک بود که نمره آمادگی تحصیلی آن ها از سازمان استثنایی گرفته شد و این نمره با وضعیت تحصیلی دانش آموز در پایه های سوم (۹۱ - ۱۳۹۰) و چهارم ابتدایی (۹۲ - ۱۳۹۱) مورد مقایسه قرار گرفت . جهت بررسی این موضوع ابتدا با استفاده از روشهای آمار توصیفی ، اقدام به توصیف دقیق داده های پژوهشی گردید و پس از آن با توجه به

مقیاس رتبه ای ارزشیابی توصیفی دبستان ، نمرات آزمون آمادگی تحصیلی نیز با توجه به سن نقویمی نوآموزان در هنگام سنجش و نمره برش مربوط به سن آنها ، جهت مقایسه بهتر به صورت رتبه ای دسته بندی شد و در نهایت از ضرایب همبستگی اسپیرمن و تائو کندال به منظور آزمون روایی پیش بین آزمون آمادگی تحصیلی استفاده شد. نتایج نشان دادند : بین نمره آزمون آمادگی تحصیلی و وضعیت درسی کودکان همبستگی معنادار وجود دارد . میزان همبستگی بین دروس علوم و ریاضی پایه سوم و آزمون آمادگی تحصیلی (۰ / ۳) بیشتر از میزان آن بین دروس فارسی و اجتماعی پایه سوم و همچنین نظر معلم کلاس چهارم با آزمون آمادگی تحصیلی (۰ / ۲) می باشد . هر چند رابطه بین نمره آزمون آمادگی تحصیلی و وضعیت درسی کودکان از نظر آماری معنادار می باشد اما با این میزان کم همبستگی نمی توان گفت که این آزمون از روایی پیش بینی کافی برخوردار است. البته باید توجه داشت که بین نمرات بالای آمادگی تحصیلی با پیشرفت درسی و همچنین بین نمرات بسیار پایین با افت تحصیلی و وضعیت درسی ضعیف ، رابطه وجود دارد.

بهاری ام البنین (۱۳۸۹) در پژوهشی با هدف بررسی میزان موفقیت آزمون آمادگی تحصیلی گام نخست و گام دوم در پیش بینی عملکرد تحصیلی دانش آموزان سال اول ابتدایی شهرستان اراک در یک دوره ی ۵ ساله ، از سال ۱۳۸۳ الی ۱۳۸۸ انجام داده است از بین دانش آموزان بدو ورود به دبستان در طی سالهای ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۸ ، ۲۰۰ کودک عادی به روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای و ۴۰ کودک دیرآموز ، به روش نمونه گیری تصادفی انتخاب شدند وهمبستگی نمره ی کسب شده آنها در آزمونهای غربالگری، با عملکرد تحصیلی آنان در سال اول دبستان، با استفاده از نمرات کسب شده ی آنها در پایان دو نیمسال تحصیلی مورد بررسی قرار گرفت. تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده در این پژوهش با استفاده از نرم افزار SPSS و با استفاده از روش همبستگی انجام شده است. در بررسی آزمون آمادگی تحصیلی گام نخست و گام دوم با عملکرد کودکان عادی در پایه ی اول ابتدایی در طول سالهای ۱۳۸۳ الی ۱۳۸۸ همبستگی به دست آمده به ترتیب ۰/۰۱، -۰/۰۶، ۰/۱۳، -۰/۱۷ و ۰/۱۱ بوده که نشان می دهد بین آزمون آمادگی تحصیلی گام نخست و گام دوم با عملکرد تحصیلی کودکان عادی در پایه ی اول ابتدایی همبستگی وجود ندارد. همچنین در بررسی به عمل آمده از نتایج همبستگی آزمون گام دوم (سنجش اولیه ی کودکان دیرآموز) با عملکرد تحصیلی آنان در سال ۸۷-۸۸ همبستگی ۰/۰۶-، به دست آمد که حاکی از عدم همبستگی میان این دو مولفه در کودکان دیرآموز بوده است. تحلیل کلی نشان می دهد که آزمونهای غربالگری گام نخست و گام دوم

نتوانسته است عملکرد کودکان عادی و دیر آموز را در سال اول ابتدایی را پیش بینی کند و این امر نشان می دهد که آزمون های غربالگری گام نخست و گام دوم در سنجش آمادگی تحصیلی دانش آموزان در بدو ورود به مدرسه، روایی پیش بین ندارد

ضیالالدینی و همکاران (۱۳۸۷) در پژوهشی با هدف بررسی نتایج طرح کشوری سنجش آمادگی تحصیلی کودکان ایرانی در بدو ورود به دبستان در سال تحصیلی ۸۷-۱۳۸۶ انجام داده اند در این مطالعه، میانگین امتیاز کسب شده توسط کودکان ایرانی در آزمون سنجش آمادگی تحصیلی و ارتباط آن با برخی از عوامل مورد بررسی قرار گرفته است. جمعیت مطالعه، شامل ۸۹۹۰۳۵ کودک ۶ ساله متقاضی ورود به دبستان در سال ۱۳۸۶ در ۳۱ استان کشور بودند که در ۸۰۰ پایگاه در ۵۶۵ شهر و به روش نمونه گیری سر شماری از جهت سلامت جسمی و حرکتی، سلامت روانی و عاطفی، شایستگی های اجتماعی، مهارت های زبانی، اطلاعات عمومی و مهارت های شناختی بررسی شدند. هر بخش دارای ۲۰ امتیاز و در مجموع ۱۰۰ امتیاز تعیین شده بود. یافته ها نشان داده است که از مجموع ۸۹۹۰۳۵ کودک بیشترین فراوانی مربوط به استان تهران با ۸۸۷۳۵ نفر و کمترین فراوانی مربوط به استان کهگیلویه و بویراحمد با ۷۵۱۶ نفر بود. میانگین کلی امتیاز ۵۸/۱۹ گردید. میانگین امتیاز کسب شده توسط دختران بیشتر از پسران بود. بیشترین ارجاع در همدان (۱۵/۹٪) و کمترین در قزوین (۳/۲٪) بوده است. در این مطالعه، ۶۳۱۹۸ کودک به مراکز تخصصی ارجاع شدند. همچنین نتیجه گیری نشان داده اند که شناسایی زود هنگام بیماری ها و سایر اختلالات در کودکان و برنامه ریزی برای بر طرف ساختن آنها از اولویت بالایی برخوردار است؛ چرا که با انجام این آزمون ها می توانیم به بهبود سلامت و سیر تحصیلی و موفقیت کودکان کمک نماییم.

روش پژوهش

طرح پژوهش از نوع پس رویدادی است که جامعه آماری آن شامل کودکان پیش دبستانی شهرستان گنبد کاووس در سال ۱۴۰۱ می باشد، که بر روی ۷۰۰۰ هزار دانش آموز دختر و پسر آزمون دابرون ۲ انجام شده است و اطلاعات این عده را از طریق سازمان سنجش کودکان استثنایی، پژوهشگر در اختیار گرفته است. در این پژوهش برای نمونه گیری از روش تصادفی ساده استفاده شده است. پژوهشگر از ۷۰۰۰ هزار کودکی که در سال ۱۴۰۱ مورد آزمون آمادگی تحصیلی قرار گرفته اند به طور تصادفی ۱۰ درصد را انتخاب کرد که این تعداد شامل ۷۰۰ نفر (۳۵۰ دختر و ۳۵۰ پسر) می باشد. با توجه به اینکه جامعه آماری ۷۰۰۰ هزار به چهار گروه سنی طبقه بندی شده اند و نقطه

برش نمرات آنها در آزمون آمادگی تحصیلی متفاوت است. پژوهشگر ۷۰۰ نفر نمونه آماری را از گروه سنی ۶ سال و ۶ ماه تا ۷ سال انتخاب نمود. اما در این پژوهش برای اندازه گیری متغیرهای مورد نظر یعنی آمادگی تحصیلی و عوامل موثر بر آن در کودکان پیش دبستانی از تست آمادگی تحصیلی و توانایی های ذهنی استفاده شده است که دابرون-۲ نام دارد. تست آمادگی تحصیلی و توانایی های ذهنی شامل ۷۱ سوال است که به طور کلی پرسشهای این آزمون به ۹ دسته تقسیم می شوند :

- ۱- اطلاعات عمومی
- ۲- اعضای بدن
- ۳- مفهوم رنگ
- ۴- اطلاعات عمومی
- ۵- تشخیص تفاوتها
- ۶- ادراک دیواری
- ۷- طبقه بندی
- ۸- حرکات در تست
- ۹- مفهوم عدد

روش نمره گذاری

این تست شامل ۷۱ سؤال است. پژوهشگر وقتی که یک به یک سوالات را برای کودک می خواند برای ثبت نتیجه هریک از سوالات پاسخ کودک را عیناً در مقابل شماره سوال در ستون مربوط به پاسخنامه می نویسد و نظر خود را درباره درستی یا نادرستی آن با گذاشتن علامت + (مثبت) یا - (منفی) در ستون ارزیابی پاسخنامه مشخص می کند. در ضمن اینکه در این آزمون هر گروه سنی یک نمره برش دارد که به عبارت زیر می باشد :

۵۵ ← برای گروه سنی ۵ سال و ۶ ماه تا ۵ سال و ۱۱ ماه.

۵۷ ← برای گروه سنی ۶ سال تا ۶ سال و ۵ ماه

۵۹ ← برای گروه سنی ۶ سال و ۶ ماه تا ۷ سال

۶۱ ← برای گروه سنی ۷ سال تا ۷ سال و ۵ ماه

که البته این نمرات مربوط به کودکان شهری می باشد و برای تعیین نمره برش کودکان روستایی می بایست از هر گروه ۳ نمره کم شود. در این پژوهش گروه مورد مطالعه گروه سنی ۶ سال تا ۶ سال و ۵ ماه می باشد. ضرایب همبستگی به دست آمده شاهدهی بر روایی وابسته ملاک آزمون دابرون-۲ است هر دو آزمون بر روی آنها اجرا شد، ضرایب همبستگی بین دو آزمون برای هر یک از سه گروه سنی به ترتیب ۰/۶۷ ، ۰/۷۰ ، ۰/۷۲ با میانه ۶۹ به دست آمد. روش اجرای این آزمون بدین صورت بود که بچه های پیش دبستانی به صورت فردی مورد آزمون قرار گرفتند. کودک به پایگاه مراجعه می نماید و اولین کاری که باید انجام شود ایجاد آرامش در کودک می باشد زیرا هر گونه احساس ناامنی و اضطراب سبب اختلال در نتیجه تست می گردد که اگر این حالت ایجاد شود تست موکول می شود. به جلسه بعد ، بعد از آرامش کودک آزمونگر سوال ها را به آرامی یک به یک برای کودک می خواند و برای دادن جواب به کودک فرصت مناسب داده می شود. در این پژوهش روشهای آماری توصیفی و استنباطی هر دو مورد

استفاده قرار گرفته است. در این پژوهش روشهای آماری توصیفی از جمله میانگین، واریانس و برای تحلیل داده ها از آزمون t و تحلیل واریانس دو راهه استفاده شده است.

آزمون داده ها

الف) توصیف متغیرها: متغیر محل سکونت:

جدول (۱) توزیع فراوانی کودکان برحسب محل سکونت

محل سکونت	فراوانی	درصد خالص	درصد تراکمی
شهر	۴۵۰	۶۴/۷	۶۴/۷
روستا	۲۴۵	۳۵/۳	۱۰۰/۰
جمع کل		۷۰۰	

جدول فوق نشان می دهد که تقریباً اکثر این کودکان محل سکونت شان شهر می باشد یعنی حدود ۶۵ درصد از آنها و ۳۵ درصد نیز ساکن روستاها هستند.

متغیر جنسیت:

جدول (۲): توزیع فراوانی کودکان برحسب متغیر جنسیت

جنسیت	فراوانی	درصد خالص	درصد تراکمی
دختر	۳۵۰	۵۰/۰	۵۰/۰
پسر	۳۵۰	۵۰/۰	۱۰۰/۰
جمع کل	۷۰۰	۱۰۰/۰	

همچنان که از جدول فوق برمی آید تعداد کودکان دختر و پسر یکسان می باشد، یعنی ۵۰ درصد از جمعیت نمونه را دختر و ۵۰ درصد را پسران تشکیل می دهند.

متغیر سابقه آموزش قبل از دبستان:

جدول (۳-۴) توزیع فراوانی کودکان برحسب سابقه آموزش قبل از دبستان

سابقه آموزش قبل از دبستان	فراوانی	درصد خالص	درصد تراکمی
ندارد	۳۰۶	۴۴/۲	۴۴/۲
دارد	۳۸۶	۵۵/۸	۱۰۰/۰
جمع کل	۷۰۰	۱۰۰/۰	

همچنان که از جدول فوق برمی آید تعداد کودکانی که سابقه آموزش قبل از دبستان دارند از فراوانی بیشتر در مقایسه با سایرین برخوردارند البته این تفاوت چندان زیاد و قابل توجه نیست. یعنی تنها حدود ۵۶ درصد از کودکان (نیمی از کودکانی که در سن ورود به این دوره می باشند این دوره را گذرانیده اند) دارای سابقه آموزش قبل از دبستان بودند و ۴۴ درصد دیگر از این دوره ها استفاده نکرده اند.

متغیر وضعیت زبان:

جدول (۴) : توزیع فراوانی کودکان برحسب وضعیت زبان

وضعیت زبان	فراوانی	درصد خالص	درصد تراکمی
یک زبانه	۳۶۸	۵۳/۱	۵۳/۱
دو زبانه	۳۲۵	۴۶/۹	۱۰۰/۰
جمع کل	۷۰۰		

همچنان که از جدول فوق برمی آید تعداد کودکان یک زبانه فراوانی بیشتری در مقایسه با سایرین دارند البته این تفاوت چندان زیاد و قابل توجه نیست. یعنی تنها حدود ۵۳ درصد از کودکان (نیمی از کودکان تنها به یک زبان صحبت می کنند) و حدود ۴۷ درصد از آنها به دو زبان صحبت می کنند یعنی زبان

مادری آنها با زبان رایج و رسمی متفاوت است. (منظور از زبان مادری این است که در خانواده گُردی به دنیا آمده باشد زبان مادری او زبان گُردی می باشد و با زبان رایج که فارسی است متفاوت می باشد).

ب - آزمون فرضیه ها

فرضیه ۱ - سابقه آموزش پیش از دبستان بر نمره آمادگی تحصیلی کودکان دختر و پسر تأثیر دارد.

جدول (۵) : آماره های توصیفی نمره آمادگی تحصیلی کودکان بر حسب متغیر جنسیت و سابقه آموزش

سابقه آموزش قبل از دبستان	جنسیت	میانگین	انحراف معیار	تعداد
سابقه آموزش ندارد	دختر	۶۲/۵۲	۱۰/۱۹۰	۱۳۲
	پسر	۶۲/۱۹	۹/۶۰۰	۱۴۷
	کل	۶۲/۳۵	۹/۸۶۷	۲۷۹
سابقه آموزش دارد	دختر	۶۵/۲۵	۷/۵۹۷	۱۹۹
	پسر	۶۴/۷۴	۸/۸۹۷	۱۷۵
	کل	۶۵/۰۱	۸/۲۲۴	۳۷۴
کل	دختر	۶۴/۱۶	۸/۸۱۱	۳۳۱
	پسر	۶۳/۵۷	۹/۲۹۷	۳۲۲
	کل	۶۳/۸۷	۹/۰۵۲	۶۵۳

براساس جدول فوق کمتری میانگین نمره آمادگی تحصیلی (۶۲/۱۹) مربوط به کودکان پسر است که دارای سابقه آموزش قبل از دبستان نمی باشند و در مرتبه دوم کودکان دختری که دارای این سابقه نمی باشند با میانگین ۶۲/۵۲ قرار دارند. بررسی نشان می دهد که میانگین نمره آمادگی تحصیلی کودکان دختر و پسر که دارای این سابقه آموزش می باشند افزایش پیدا کرده است. (میانگین ۶۵/۲۵ برای دختران و ۶۴/۷۴ برای پسران) برای بررسی فرضیه فوق از آزمون تحلیل واریانس دوراهه استفاده شده که نتایج آن در جدول (۵) آورده شده است.

جدول (۶) : خلاصه جدول تحلیل واریانس دوره‌ها برای نمره آمادگی برحسب سابقه آموزش و جنسیت

منبع تغییرات	خلاصه مجزورات	درجه آزادی	مجزورات میانگین	F	Sig
سابقه آموزش قبل از دبستان (اثرات اصلی)	۱۱۰۷/۸۸۳	۱	۱۱۰۷/۸۸۳	۱۳/۷۵۹	۰/۰۰۱
جنسیت (اثرات اصلی)	۲۸/۵۱۹	۱	۲۸/۵۱۹	۰/۳۵۴	۰/۵۵۲
تعامل سابقه آموزش و جنسیت (اثر تعاملی)	۱/۳۱۷	۱	۱/۳۱۷	۰/۰۱۶	۰/۸۹۸
خطا	۵۲۲۵۸/۹۴۴	۶۴۹	۸۰/۵۲۲		
کل	۵۳۴۲۴/۴۵۰	۶۵۲			

همانطور که ملاحظه می‌شود در آزمون تحلیل واریانس دوسویه F مربوط به (اثرات اصلی) داشتن سابقه آموزش قبل از دبستان معنی دار است. ($F=13/759$ $P<0/001$) یعنی داشتن سابقه آموزش بر نمره آمادگی تحصیلی کودکان تأثیر دارد و با توجه به میانگین این نمرات داشتن این سابقه باعث افزایش نمره آنان می‌شود. F مربوطه به (اثرات اصلی) جنسیت کودکان معنی‌دار نیست. $F=0/355$ $P>0/55$ یعنی بین کودکان دختر و پسر از نظر نمره آمادگی تحصیلی تفاوت معنی‌دار وجود ندارد. توجه به میانگین‌ها نیز تفاوت زیادی بین نمرات دختران و پسران نشان نمی‌دهد. F مربوط به (اثرات تعامل) معنی‌دار نیست. $F=0/016$ $P>0/898$ یعنی تعامل بین جنس و دو گروه (دارای سابقه آموزش کودکانی که دارای این سابقه نیستند) تفاوت معنی‌دار مشاهده نمی‌شود.

فرضیه ۲- بین تعداد افراد خانواده و نمره آمادگی تحصیلی کودکان رابطه وجود دارد.

جدول (۶) : شاخص‌های توصیفی نمره آمادگی برحسب متغیر تعداد افراد خانواده

تعداد افراد خانواده	تعداد	میانگین	انحراف معیار	فاصله اطمینان ۹۵٪		مینیمم	ماکزیمم
				کرانه پایین	کرانه بالا		
۳	۱۰۳	۶۵/۹۷	۶/۹۳۳	۶۴/۶۲	۶۷/۳۳	۳۶	۷۸

۷۹	۲۱	۶۵/۶۵	۶۳/۳۷	۹/۲۳۸	۶۴/۵۱	۲۵۳	۴
۷۶	۷	۶۴/۵۵	۶۱/۲۱	۹/۶۹۶	۶۲/۸۸	۱۳۲	۵
۷۶	۲۱	۶۳/۸۰	۶۱/۱۰	۸/۸۶۹	۶۲/۴۵	۱۶۸	۶ و بالاتر
۷۹	۷	۶۴/۵۷	۶۳/۱۹	۸/۹۸۶	۶۳/۸۸	۶۵۶	کل

جدول ۷ آزمون لون برای همسانی واریانس

آماره لون	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	Sig
۰/۹۴۷	۳	۶۵۲	۰/۴۱۷

براساس جدول فوق بالاترین میانگین نمره آمادگی تحصیلی (۶۵) مربوط به کودکانی است که تعداد افراد خانواده آنها ۳ نفر و کمتر می باشد و کمترین میانگین (۶۲) مربوط به کودکانی است که تعداد افراد خانواده آنها ۵ نفر و بیشتر می باشد. آماره، لون برابر با (۰/۹۴) است که سطح معنی داری مربوط به آن برابر است با $P > 0/41$ که این امر نشان می دهد بین واریانس نمرات آمادگی تحصیلی کودکان متعلق به خانواده ها با جمعیت های متفاوت تفاوت معنی داری وجود ندارد و می توان برای مقایسه میانگین ها از آزمون تحلیل واریانس استفاده کرد.

جدول (۸): خلاصه تحلیل واریانس نمرات آمادگی تحصیلی بر حسب متغیر تعداد افراد خانواده

واریانس	حاصل مجذور	درجه آزادی	مجذور میانگین	F	Sig
بین گروهی	۱۰۲۸/۲۴۶	۳	۳۴۲/۷۴۹	۴/۳۰۹	۰/۰۰۵
درون گروهی	۵۱۸۶/۷۱۶	۶۵۲	۷۹/۵۴۳		
کل	۵۲۸۸۹/۹۶۲	۶۵۵			

با توجه به اینکه F محاسبه شده ($F=4/309$ ، $P<0/005$) پس فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می شود. یعنی تفاوت های مشاهده شده بین میانگین های نمرات آمادگی تحصیلی کودکان متعلق به خانواده ها با جمعیت های متفاوت معنی دار است. با توجه به معنی دار بودن F به منظور بررسی تفاوت بین جفت میانگین ها از آزمون شفه استفاده شده نتایج در جدول (۸) ارائه شده است.

جدول (۹) آزمون شفه برای تعداد افراد خانواده

فاصله اطمینان		Sig	خطای استاندارد	تفاوت میانگین	۷۱۶ (J)	۷۱۶ (I)
کرانه بالا	کرانه پایین					
۴/۳۸	-۱/۴۶	۵۸۰	۱/۰۴۲	۱/۴۶	۴	۳
۶/۳۸	-۰.۱۹	۰.۷۴	۱/۱۷۳	۳/۰۹	۵	
۶/۶۵	.۴۰	.۰۱۹	۱/۱۱۶	۳/۵۲	۶ و بالاتر	
۴/۳۲	-۱/۰۵	.۴۰۸	.۹۵۸	۱/۶۳	۵	۴
۴/۵۵	-۰.۴۲	.۱۴۶	.۸۸۸	۲/۰۶	۶ و بالاتر	
۳/۳۴	-۲/۴۸	/۹۸۲	۱/۰۳۷	.۴۳	۶ و بالاتر	۵

جدول فوق نشان می دهد که تفاوت میان میانگین نمره آمادگی تحصیلی کودکان متعلق به خانواده های (۳ نفره با ۵ نفره)، (۳ نفره با ۶ نفره)، (۴ نفره با ۶ نفره) معنی دار است و سایر تفاوت های مشاهده شده معنی دار نیست. به طور کلی می توان نتیجه گرفت که با افزایش تعداد خانواده نمره آمادگی تحصیلی کاهش می یابد.

فرضیه ۳: بین نمره آمادگی تحصیلی کودکان یک زبانه و دو زبانه تفاوت وجود دارد.

جدول (۱۰): آماره های توصیفی متغیر زبان و نمره آمادگی تحصیلی

نمره آمادگی تحصیلی	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین خطای استاندارد
۱. زبانه	۳۵۱	۶۵/۴۴	۷/۸۸۴	۰/۴۱۹
۲. زبانه	۳۰۲	۶۲/۱۵	۹/۶۵۸	۰/۵۵۶

براساس جدول فوق میانگین نمره آمادگی تحصیلی کودکان دختر و پسر که به یک زبان صحبت می کنند معادل ۶۵/۴۴ و کودکانی که به دو زبان صحبت می کنند معادل ۶۲/۱۵ است لذا میانگین نمره آمادگی تحصیلی کودکانی که به یک زبان صحبت می کنند بیشتر از کودکانی است که به دو زبان صحبت می کنند لذا برای بررسی اینکه این تفاوت معنی دار است یا خیر باید از آزمونهای آماری استفاده نماییم که در اینجا از آزمون t برای مقایسه میانگین های دو گروه مستقل استفاده شده است.

جدول (۱۱): نتایج آزمون t برای نمره آمادگی تحصیلی کودکان یک زبانه و دو زبانه

	آزمون لون برای برابری واریانسها		آزمون t برای مقایسه میانگینها		
	لون	سطح معنی داری	T محاسبه شده	درجه آزادی	سطح معنی داری
فرض برابری واریانس ها	۱۲/۵۱۶	۰/۰۰۱	۴/۸۰۲	۶۵۱	۰/۰۰۱
فرض نابرابری واریانس ها		۰	۴/۷۲۹	۵۷۹/۱۹۳	۰/۰۰۱
نمره آمادگی تحصیلی					

نتایج جدول (۱۲) نشان می دهد که با توجه به عدم یکسانی واریانسها t محاسبه شده (۴/۷۲۹) در سطح کمتر از ۰/۰۰۱ معنی دار است. در نتیجه فرضیه پژوهش مبنی بر تفاوت نمره آمادگی تحصیلی دانش آموزان یک زبانه و

دوزبانه تأیید می شود. مقایسه میانگین ها نشان می دهد که نمره آمادگی تحصیلی دانش آموزان یک زبانه بیشتر از دانش آموزان دوزبانه است.

فرضیه ۴: بین دانش آموزان روستایی و شهری از نظر نمره آمادگی تحصیلی تفاوت وجود دارد.

جدول (۱۲): آماره های توصیفی متغیر محل سکونت و نمره آمادگی تحصیلی

محل سکونت	نمره آمادگی تحصیلی			
	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین خطای استاندارد
شهری	۴۲۶	۶۴/۹۹	۷/۳۵۴	۰/۳۵۶
روستایی	۲۲۹	۶۱/۸۳	۱۱/۲۷۵	۰/۷۴۵

براساس جدول فوق میانگین نمره آمادگی تحصیلی کودکان دختر و پسر که محل سکونت آنها شهر می باشد معادل ۶۴/۹۹ و کودکانی که محل سکونت آنها روستا می باشد معادل ۶۱/۸۳ است لذا میانگین نمره آمادگی تحصیلی شهری بیشتر از کودکان روستایی است لذا برای بررسی اینکه این تفاوت معنی دار است یا خیر از باید از آزمونهای آماری استفاده نماییم که در اینجا از آزمون T با گروه های مستقل استفاده شده است.

جدول (۱۳): نتایج آزمون t برای نمره آمادگی تحصیل کودکان شهری و روستایی

آزمون t برای مقایسه میانگینها			آزمون لون برای برابری واریانسها		
سطح معنی داری	درجه آزادی	T محاسبه شده	سطح معنی داری	لون	
۰/۰۰۱	۶۵۳	۴/۳۲۱	فرض برابری واریانس ها		
۰/۰۰۱	۳۳۴/۸۱۴	۳/۸۲۴	فرض نابرابری واریانس ها	۲۵/۵۲۳	۰/۰۰۱
			نمره آمادگی تحصیلی		

در گروه های مستقل فرض صفر در سطوح اطمینان ۹۵ درصد رد می شود یعنی بین میانگین های نمرات آمادگی تحصیلی دانش آموزان و محل سکونت آنان تفاوت معنی دار وجود دارد.

نتایج جدول (۱۳) نشان می دهد که با توجه به عدم یکسانی واریانسها t محاسبه شده (۳/۸۲۴) در سطح کمتر از ۰/۰۰۱ معنی دار است. در نتیجه فرضیه پژوهش مبنی بر تفاوت نحوه آمادگی تحصیلی دانش آموزان شهری و روستایی تایید می شود. مقایسه میانگین ها نشان می دهد که نمره آمادگی تحصیلی دانش آموزان شهری بیشتر از دانش آموزان روستایی است.

جمع بندی و نتیجه گیری

پژوهش حاضر طرحی است از نوع پس رویدادی که جامعه آماری آن شامل کودکان پیش دبستانی شهرستان گنبد کاووس در سال ۱۴۰۱ می باشد هدف بررسی عوامل موثر بر نمره آمادگی تحصیلی کودکان پیش دبستانی است که بر جامعه آماری ۱۴ هزار نفره دانش آموز دختر و پسر با آزمون دابرون -۲ انجام شده. نمونه آماری پژوهش بطور تصادفی ۴ درصد جامعه آماری بود که و پژوهش بر روی این تعداد انجام گرفته و از روشهای آماری آزمون t و تحلیل واریانس دو سویه استفاده گردید. نتایج حاصل به اختصار در ذیل آمده است.

فرضیه ۱: سابقه آموزش پیش از دبستان بر نمره آمادگی تحصیل کودکان دختر و پسر تاثیر دارد. با توجه به داده های آماری همانطور که ملاحظه شد در آزمون تحلیل واریانس دوسویه f مربوط به داشتن سابقه آموزش قبل از دبستان ۱۳/۷۵ بوده و p مربوط به آن ۰/۰۰۱ بوده است که نشان دهنده معنی داری آن است یعنی داشتن سابقه آموزش برنمره آمادگی تحصیل کودکان تاثیر دارد و با توجه به میانگین این نمرات داشتن این سابقه باعث افزایش نمره آمادگی تحصیلی آنان می شود. F مربوط به جنسیت کودکان در ارتباط با آموزش پیش از دبستان ۰/۳۵ می باشد و p مربوط به آن ۰/۵۵ که نشان دهنده معنی دار نبودن آن است یعنی بین کودکان دختر و پسر از نظر نمره آمادگی تحصیلی تفاوت معنی دار وجود ندارد. و اما f مربوط به اثر تعامل جنسیت و سابقه آموزش قبل از دبستان ۰/۱۶ و p مربوط به آن ۰/۸۹ می باشد که در اینجا نیز معنی دار نبودن آن یعنی بین جنس و دگروه (دارای سابقه آموزش و کودکانی که دارای این سابقه نیستند) تفاوت معنی دار مشاهده نمی شود. پژوهش های انجام گرفته در این زمینه توسط سازمان آموزش و پرورش استثنایی استان تهران در سال ۹۸ نشان می دهد که نمره آمادگی تحصیلی آن دسته از کودکانی که سابقه استفاده از مهد کودک را داشتند بیشتر از آنهایی بود که سابقه استفاده از مهد کودک را نداشتند (دفترچه راهنمایی اجرای آزمون سنجش آمادگی تحصیلی، ۱۳۹۴). پژوهش دیگری نیز توسط خسروی (۱۳۹۳) در مورد تاثیر آموزشهای مهد کودک بر رشد مفهوم سازی کودکان در شهر قزوین انجام گرفته است که نتیجه بدست آمده این می باشد که کودکان برخوردار

از آموزش های مهدکودک رشد مفهوم سازی آنها بیش از کودکانی است که آموزش مهدکودک نداشته اند این نتیجه با نتایج پژوهش حاضر در خصوص فرضیه اول همسو است.

فرضیه ۴- بین تعداد افراد خانواده و نمره آمادگی تحصیل کودکان رابطه وجود دارد. در این فرضیه نتیجه آزمون تحلیل واریانس دو سویه F محاسبه شد $4/309$ و P مربوط به آن $0/005$ می باشد. پس فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می شود. یعنی تعداد افراد خانواده در نمره آمادگی تحصیل کودکان تاثیری ندارد. ولی تحقیقی که در این رابطه توسط آموزش و پرورش استثنایی در استان تهران در سال ۹۸ انجام گرفته بر خلاف نتیجه به دست آمده در این پژوهش است. بدیهی است زندگی در شهرهای بزرگتر مستلزم دغدغه های ذهنی، عاطفی، روانی و مالی بیشتری است که با تولید برخی فشارها به خانواده ها می تواند عاملی موثر در انواع واکنش های عاطفی، روانی و اجتماعی و تحصیلی افراد خانواده قلمداد گردد. با افزایش تعداد افراد خانواده در بسترهای بزرگتری چنین استنباط کرد که برخی از این فشارها نیز افزایش یابد.

فرضیه ۶- بین نمره آمادگی تحصیلی کودکان یک زبانه و دو زبانه تفاوت وجود دارد. نتایج نشان داده است که با توجه به عدم یکسانی واریانس t محاسبه شده $(4/729)$ در سطح کمتر از $(0/001)$ معنی دار است. در نتیجه فرضیه پژوهش مبنی بر تفاوت نمره آمادگی تحصیل دانش آموزان یک زبانه و دو زبانه تایید می شود و در این زمینه پژوهش مشاهده نشده است. اصل فتاحی (1392) در پژوهش خود، سعی بر مقایسه پیشرفت تحصیلی دانش آموزان یک زبانه و دوزبانه مقطع ابتدایی در دروسی که بطور مستقیم متاثر از عامل زبانی هستند (فارسی و املاء)، همراه با کنترل متغیر هوش داشته است و به این نتیجه رسیده که میانگین نمرات دانش آموزان دوزبانه بطور معنی داری پائین تر از دانش آموزان یک زبانه است یافته پژوهش فوق با پژوهش حاضر در زمینه یک زبانه و دوزبانه بودن کاملاً همسوست از دیگر تحقیقات انجام شده در ایران در این زمینه از شفیع زاده (1392) نیز در پژوهش خود نشان داده است که دانش آموزان کلاس اول ابتدایی در آغاز آموزش دوره ابتدایی در زبان آموزی به نسبت روشهای تدریس و زبان معلمین دارای مشکلات بیشتری تا دانش آموزان یک زبانه هستند. این پژوهش حاکی از آن است که تفاوت زبان در یادگیری دانش آموزان در بدو ورود به آموزش همگانی می تواند عاملی موثر در یادگیری و بالنتیجه در پیشرفت تحصیلی محسوب می گردد.

فرضیه ۸- بین دانش آموزان روستایی و شهری از نظر نمره آمادگی تحصیل تفاوت وجود دارد. نتایج نشان می دهد که با توجه به عدم یکسانی واریانسها t محاسبه شده $(3/824)$ در سطح کمتر از $0/001$

معنی دار است. در نتیجه فرضیه پژوهش مبنی بر تفاوت نحوه آمادگی تحصیلی دانش آموزان شهری و روستای تایید می شود. مقایسه میانگین ها نشان می دهد که نمره آمادگی تحصیل دانش آموزان شهری بیشتر از دانش آموزان روستایی است. بدیهی است زندگی شهری با کلیه امکانات اجتماعی، ارتباطی، تکنولوژیکی و تحرکات و تحریکات زوایای هوش و ذهنی دانش آموزان می تواند تاثیرات بسیار مطلوبی را بر رشد فزاینده هوشی گذارده و باعث ایجاد پیشرفت در همه جوانب بالاخص پیشرفت تحصیلی گردد.

منابع

- خسروی، طیب (۱۳۹۳)، بررسی تاثیر آموزشهای مهدکودک بر رشد مفهوم سازی کودکان در شهر قزوین، پایان نامه تحصیلی کارشناسی، دانشگاه بین المللی امام خمینی.
- دفترچه راهنمای اجرای آزمون سنجش آمادگی و توانایی های ذهنی کودکان، مرکز تحقیقات آموزش (۱۳۹۴).
- فرجاد، محمدحسین، (۱۳۹۳)، آسیب شناسی اجتماعی و جامعه شناسی انحرافات، تهران: انتشارات خوارزمی.
- هفت گفتار درباره آموزش و پرورش پیش از دبستان، (۱۳۹۴)، چاپ اول، تدوین گروه آموزش قبل از دبستان، دفتر تحقیقات و برنامه ریزی، تهران، وزارت آموزش و پرورش.
- بهاری ام البنین (۱۳۸۹): بررسی میزان موفقیت آزمون آمادگی تحصیلی گام نخست و گام دوم در پیش بینی عملکرد تحصیلی دانش آموزان سال اول ابتدایی شهرستان اراک در یک دوره ۵ ساله، از سال ۱۳۸۳ الی ۱۳۸۸، پایان نامه کارشناسی ارشد، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری - دانشگاه الزهرا - دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، استاد راهنما: پورشهریاری، ماه سیما، استاد مشاور: نراقی زاده، افسانه تهران
- بیرشک، بهمن، مرادی، احسان (۱۳۹۲) بررسی رابطه و آموزش پیش دبستانی با سازگاری اجتماعی دانش آموزان کالس اول ابتدایی - تهران در سال تحصیلی ۳۱-۳۱. طرح پژوهش دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.

- حجازی، احمد، سیف، سارا (۱۳۹۳): تاثیر آموزش پیش دبستانی بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دوره ابتدایی، مجموعه مقالات کنگره علمی کودکان پیش دبستانی ۱۳ و ۱۴ آبان ماه ۱۳۹۳. دفتر امور کودکان و نوجوانان یونسف.

- دو رباطی، فرزین (۱۳۹۱): بررسی رابطه ی اشتغال مادر و سازگاری اجتماعی کودکان، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران

- سومیان، سلمان، زن، آقا زاده، محمد (۱۳۹۱): تاثیر فعالیت های بدنی و بارنی بر رشد توانایی های ذهنی پسران پیش دبستانی. فصلنامه ی نوآوری های آموزش، شماره ۱۶: ص ۱۱۶-۳۱.

- ضیاءالدینی سیدحسن، امیرخانی محمدمیر، کمساری فاطمه، اردلان گلایل، روزبهانی رضا، پورصفا پریناز، کلشادی رویا (۱۳۸۷): بررسی نتایج طرح کشوری سنجش آمادگی تحصیلی کودکان ایرانی در بدو ورود به دبستان در سال تحصیلی ۸۷-۱۳۸۶، مجله دانشکده پزشکی اصفهان، زمستان ۱۳۸۷، دوره ۲۶، شماره ۹۱، از صفحه ۳۶۲ تا صفحه ۳۷۰

- مفیدی، فرهام (۱۳۹۵) ضرورت توجه به آمادگی های جسمی و حرکتی کودکان در دوره پیش دبستانی، مجله پژوهش در مسایل تعلیم و تربیت، شماره های ۵ و ۶ ص ۳۴-۱۴

- منصوری، سعیده و کدخدا دهخانی، فاطمه و کرچیان ظهرودی، اسما و سالاری، پروین، ۱۳۹۴، ضرورت اجرای عملکرد مطلوب مجریان سنجش سلامت جسمانی و آمادگی تحصیلی در شناسایی لکت زبان و کم شنوایی نوآموزان بدو ورود به دبستان، دومین کنفرانس بین المللی روانشناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی، مشهد، <https://civilica.com/doc/497658>

- مولایی، تاج محمد (۱۳۹۲): شناسایی نقاط قوت و ضعف برنامه های پیش دبستانی از طریق بررسی تاثیر آموزش و پرورش پیش دبستانی بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پایه ی اول تا سوم ابتدایی شهرستان و رامین در سال تحصیلی ۳۱-۳۱، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت معلم.

- نوایی سلوط (۱۳۹۲): بررسی روایی پیش بین آزمون آمادگی تحصیلی طرح سنجش کودکان بدو ورود به دبستان شهر تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری - دانشگاه علامه طباطبائی - دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، تهران

- Sigman, M. (2005). Nutrition and child development : More food for thought . Current Directions in Psychological Science , 4 , 52-55.

- Stanley , J.(2015) . Boys and girls who reason well mathematically . In G.R. Beck and K. Ackrill (Eds.), The origins and development of high ability. Chichester. England : W fley.
- Waller , J. H.(2007) .Achievement and social mobility : Relationships among IQ score , edrcation , and occupation in two generations . Social Biology , 18 , 252-259
- Duncan GJ, Dowsett CJ, Claessens A, Magnuson K, Huston AC, Klebanov P, et al.(2007) School readiness and later achievement. Dev Psychol , 43(6): 1428-46. 8.
- Lefrancios , G.R.(1996).The lifespan (5ed) Belmont: wedsworth publishing company.
- Lemelin JP, Boivin M.(2007) Success starts in grade 1: The importance of school readiness. Institut de la statique Quebec; 4(2).
- Martin , D.C.(2017) . IQ at age 4 in relation to maternal alcohol use and smoking during pregnancy. Developmental Psychology . 25 , 3-11.
- NanO Yama –Tarumi,Y.& Berdenberg,K.(2009).Impact of school rediness program intenvention on children ,s learning in cambodid. International journal of Educational D evelop ment.29.39-95
- Winsler, A,Tran,H.Hartman,S.C,Madigan,A.L,Manfra ,L.R.Bleiker ,C.(2008) : School readiness gains made by etnically diverse children in poverty attending center-based cgildcare and public school pre-kinderqarten programs . Early childhood Research quarterly , 23(3).314-329.